

به مناسبت سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

برندگان و بازندگان کودتا

امیر طهرانی

درباره کودتای ۲۸ مرداد از منظرهای گوناگون می‌توان به بحث و گفت و گو نشست. نخستین منظر این که باعث و بانی آن که بوده است؟ در این خصوص چند نظر مطرح است. گروه نخست عامل آن را دولت‌های خارجی و در رأس آن آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها می‌دانند. این نظر حداقل در دورانی که ما هستیم با توجه به انتشار اسناد «C.I.A» وزارت خارجه آمریکا و با برخی از اسناد وزارت خارجه بریتانیا و خاطرات عوامل کودتا همچون کیم روزولت، کریستیان وودهاوس و… و به ویژه اقرار مقاماتی همچون مادرلین البرایت وزیر خارجه اسبق آمریکا بر دخالت دولت ایزنهاور در سرنگونی دولت مصدق و معذرت خواهی از ایرانیان بابت دخالت کشورش در امورداخلی ایران و با مقامات بریتانیایی کمتر کسی با آن مخالفت می‌کند.

گروه دوم که در رأس آنها ششاه و رژیم پهلوی قرار داشتند. سرنگونی دکتر مصدق را حاصل قیام ملی ایرانیان علیه حکومت مصدق عنوان می‌کنند. میهن دوستان به دلیل ناکارآمدی دولت مصدق و خطر حزب توده خویشان به جوش آمده و به خیابان‌ها ریخته و مصدق را سرنگون کردند و شاه را به کشور بازگرداندند و زاهدی را به نخست وزیر رساندند. از این دیدگاه آنهاهی که در راستان پوی را ازین فزنی و دژیری امتضادی و حسین رمضان بنهی و امیرمومویر و ادیانسی که از مناطق خاصی تهران به سوی خیابان کالج (فلسطین) و خانه مصدق به راه افتادند در زمره این مینهن پرستسان بودند که با کمک و همراهی افسران مینهن دوستی همچون پرویز خسروانی با تیمور بختیار و… راه پر خطر حزب توده بستند تا خدای نکرده کفر و فساد در این مرزو بوم حاکم نشود.

گروه سومی هم در این میان هستند که از اساس معتقدند که کودتا افسرانای پیشی پیوده است. همه آن وقایع زیر سر خود مصدق بود تا ناتوانی خود در ادامه حرکت و اداره کشور را به نحوی پنهان کننדיانها که تنها ششرم و حیا مانع از آن شده تا همچون شاه و طرفداران رژیم پهلوی وقایع آن روز را قیام ملی ۲۸ مرداد بخواهند و آشکارا در سالروز آن واقعه سر در خانه‌هایشان را چراغان کنند بدون آن که اشاره کنند که بعد از کودتا چه کسانی از نعمات کودتا منتفع شدند و به پست و مقام و پول و زیست بی مدغدغه پرداختند و در مقابل چه کسانی به زندان افتادند و تبعید ویا اعدام شدند. برطیل ادعاهای خود می‌گویند. آنها حتی اسناد منتشره دولت‌های آمریکا و بریتانیا و با خاطرات عوامل کودتا که در آنها به سیر برنامه‌ریزی و اجرای کودتا تصریح شده است را یکسره نوظنه می‌خوانند.

در این نوشتار بنا براین نداریم که یک بار دیگر این موضوع را باز کنیم. به جای آن به این نکته خواهیم پرداخت که با سرنگونی مصدق و روی کار آمدن سپهد فضل‌الله زاهدی چه کسانی از آن جابه‌جایی سود بردند و چه کسانی دچار خسران و آسیب شدند. شاید این به ما کمک کند که با توجه به این فرض که انسان عاقل به ضرر خود عملی انجام نمی‌دهد. برندگان و بازندگان آن واقعه را بازشناسی کنیم.
تأثیر گذاشت:

مهم‌ترین پیروز کودتا دولت‌های آمریکا و انگلیس بودند. آنها با سرنگونی مصدق هم شکست سیاسی خود از ملت ایران را جبران کردند و هم از منافع و درآمد سرشار نفت ایران و نیز تسلط پر بازار مصرف ایران تا سال‌ها بهره‌مند شدند. ضمن آن که با تسلط دوباره بر حیات سیاسی ایران کمربند امنیتی در برابر شوروی و نفوذ کمونیسم را برای ۲۵ سال حفظ کردند.

دومین پیروز کودتا شخص محمدرضا پهلوی بود. او که بعد از شکست کودتای ۲۵ مرداد دلیلاته از ایران گریخته بود بار دیگر توانست به کشور بازگردد و به کیم روزولت عامل «C.I.A» بگوید تاج و تختم را مدیون شما هستم.

سومین گروه از منتفعان کودتا عاملان اجرایی آن بودند. عاملان اجرایی کودتا دو دسته بودند. بخشی از آنها را نیروهایی نظامی اعم از افسران پازنشسته ویا شاغل تشکیل می‌دادند.کسانی همچون نصیری، تیموریختیار،بامانقلیج،دقزلی، فرازگان، گیلشاه و خسروانی و… که بابت انجام دستسور روزولت برای سرنگونی مصدق از ترفیع درجه و انتصاب به مقامات بالا برخوردار شدند. گروه دوم عملجات اجرایی کودتا بودند. همان‌هایی که از تیمه روزوز ۲۸ مرداد سسوار پر کامیون از مناطق جنوبی تهران عکس شاه در یک دست و چماق در دست دیگر به خیابان‌ها ریخته‌اند و جاوید شاه و مرگ بر مصدق گفتند. عده‌ای از این ارایش همچون شهاب جعفری نشان‌های دولتی را بر سینه آویختند و از امکانات و کمک‌های مالی دولتی برخوردار شدند و بدیعت پیچاره‌های آنها هم چندقزازی از آن چه کیم روزولت برای خرج با خود به تهران آورده بود نصیب کردند.

اماگروه چهارمی که از سرنگونی مصدق و پیروزی کودتاکران انگلیسی- آمریکایی بهره بردند و به انجای مختلف از سوی حکومت مورد لطف و تقدیر قرار گرفتند کسانی بودند که تا چندی پیش از آن درصنف مردم و نهضت ملی قرار داشتند و برخی ژودتر و برخی دیرتر به سمت دربار و شاه و استبداد راه کج کرده بودند.از میان این عده نیز به برخی اشاره می‌کنیم: ابوالحسن عسیدی نوری مدیر روزنامه داد) از جمله اعضای موسس جبهه ملی در سال ۱۳۲۸) و از مخالفان سر سخت بعدی مصدق به معاونت نخست وزیر منصوب شد. حسین مکی کمتر از یک ماه بعد از کودتا در ۲۵ شهریور به عضویت شورای عالی نفت انتخاب شد. ابوالحسن حایری زاده که از جمله یاران نهضت ملی محسوب می‌شد و بعد از سی تیر ۱۳۳۱ راه خود را جدا کرد و از جمله مخالفان دکتر مصدق شسد روز ۳۰ مهر ۱۳۳۲ به عنوان سفیر سیار شاه در اروپا تعیین شد.علی زهری، شمس قنات آبادی، نادعلی کریمی و مصطفی کاشانی در فهرست وکلای دوره هیجدهم مجلس جای گرفتند و راهی بهارستان شدند. دکتر مظفر قباپی هم که مغز متفکر مخالفان مصدق به شمار می‌رفت و با حداقل خودش اینچنین تصور می‌کرد و بر همین اساس برای خود جایگاهی برتر در نظر داشت و چند سال بعد در جریان جلسه دادگاهی نمایشی خود را نجات دهنده سلطنت توصیف کرد مقامی برتر و بالاتر از وزارت و وکالت برای خود در نظر گرفته بود. در روزها و ماه‌های اول بعد از کودتا قباپی یکی از مشاوران اصلی حکومت زاهدی به شمار می‌رفت. به هنگام تقسیم دولت برای برقراری روابط سیاسی با دولت بریتانیا، زاهدی او را برای حضور در امر مهمی، به وزارت امور خارجه فراخواند. حتی هنگامی که بر اثر زیاده روی‌های قباپی در تماس با مقامات خارجی و به ویژه سفیر آمریکا در تهران و نیز دخالت در امور سیاسی کشور بازداشت شد، بلافاصله با دستور مستقیم زاهدی آزاد شد. زاهدی در نامه‌ای به قباپی نوشت: «نظر به سوابق و زحمات جنابعالی از تصمیمی که مامورین روی انجام وظیفه گرفته بودند متأسف شدم و به همان دلیل دستور دادم تجدید نظر کنند و موافقت فرمودند و جنابعالی آزاد هستید تا به هر نقطه مایل باشید بروید.

اما کودتا برای دیگریانی که در پای منافع ملی ایران ایستادند و تن به ظلم و ذلت ندادند نیز پیامدهایی داشت.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد پسه سبز دکتر مصدق تقریباً اکثر وزرا، مشاوران و نزدیکان به وی بازداشت و محاکمه شدند. در این میان سهم دکتر حسین قاضی اعدام یا تنی بیمار و رنجور بود. سهم خود دکتر مصدق، سسه سال زندان و سپس تبعید تا پایان عمر در احمدآباد بود و بعد از آن هم حتی اجازه ندادند طبق وصیت خود در این پایوبه و در کنار شهدای سی تیر دفن شود. شاه حتی از برگزاری مراسم ترحیم او هم منعالت کرد.

دکتر شایگان، دکتر صدیقی، مهندس رضوی، عبدالمعلی لطفی، دکتر آذر، مهندس سیب‌ الله معلمی، سرلشکر نفی ریاحی، ابوالقاسم امینی، سمرحک ممتاز، سرهنگ گادری، سرلشکر مهنا، محمد علی کشاورز صدر و… از جمله دیگر بازداشت شدگان بودند. جرم اینها تنها حضور در دولت دکتر مصدق ویا همچون سمرحک ممتاز و سمرحک دارینا، عدم عمل بدقیقه قانونی خود یعنی دفاع از منزل و جان نخست وزیر کشور بود. اینها جدایی از خیل عظیم فعالان سیاسی وهواداران مصدق و مخالفان کودتا بودند که در روزهای بعد از کودتا بازداشت و روانه قلعه فلک الاطلاق یا زندان نزل قلعه شدند و با به جزیره خارک تبعید شدند.